

تقلب:

حلقه‌ی پنهان در زنجیره‌ی امنیتی گزارشگری مالی

دکتر شکراله خواجهوی / دانشیار حسابداری دانشگاه شیراز
شعله منصوری / کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شیراز

افزایش شمار و تنوع تقلب در سیستم گزارشگری مالی، تهدیدی بر کیفیت این سیستم است. وظیفه‌ی حرفه‌ی حسابداری تهیه و ارائه‌ی اطلاعات و گزارش‌های مالی برای استفاده‌کنندگان است. حضور تقلب به عنوان عاملی بحران‌زا در عرصه‌ی مالی، تهدیدی جدی برای اعتماد عمومی به اطلاعات مالی و فرایند گزارشگری مالی محسوب می‌شود و هزینه‌ها و پی‌آمدهای سنگینی برای گروه‌های مختلف به دنبال دارد. با توجه به عوامل مؤثر در وقوع تقلب، از جمله انسان و محیط، در این مقاله پس از تعریف و تشریح تقلب در صورت‌های مالی، پنج عامل مؤثر در خصوص وقوع تقلب صورت‌های مالی شامل: (۱) مرتکبین و مجریان تقلب، (۲) روش‌های تقلب، (۳) انگیزه‌های تقلب، (۴) نظارت و بازنگری مدیران ارشد، و (۵) توجه به نتایج و پی‌آمدهای تقلب ارائه می‌شود. در پایان نیز راهکارهایی برای پیشگیری و کشف تقلب مطرح می‌شود.



موضوع پرداخت. در قانون تجارت ایران طبق ماده‌ی ۲۳۲ مسئولیت صحت صورت‌های مالی بر عهده‌ی مدیریت است و گزارش هرگونه تخلف و قصور بر عهده‌ی بازرس قرار دارد. با توجه به مباحث فوق، توجه به تقلب، پیشگیری و کشف آن به عنوان عاملی مؤثر در امنیت گزارشگری مالی از جانب مدیریت سازمان و حسابرس مستقل ضروری به نظر می‌رسد.

تعریف تقلب

تقلب شامل اقدامات عمدی است و کسی مرتکب آن می‌شود که از فریب، نیرنگ و حيله‌گری استفاده کرده است. این‌گونه اقدامات را در دو گونه از ظاهرسازی می‌توان طبقه‌بندی کرد: اظهار کذب و پوشیده داشتن حقیقت. تقلب شامل فریب، آز، ریسک دستگیری، تخطی از اعتماد، توجیه عقلی و مواردی از این دست می‌شود. تقلب اقدامات نامناسبی است که به اظهارنظر نادرست اما بااهمیت در صورت‌های مالی منجر می‌شود. اشکال مختلفی از تقلب از قبیل صورت‌های مالی متقلبانه، تقلب کارکنان، سوءاستفاده از دارایی‌ها و تقلب‌های ورشکستگی در حوزه‌ی مالی قابل مشاهده است (مرادی و سلیمانی مارشک، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، گفته می‌شود افرادی که موفق به ارتکاب و پنهان کردن تقلب می‌شوند، همواره با روش‌های حسابرسی که به طور معمول توسط حسابرسان اجرا می‌شود، آشنایی دارند (بولو، ۱۳۸۲).

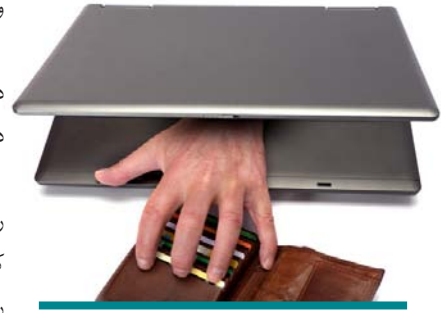
مقدمه

استفاده‌کنندگان، ارزش و اهمیت زیادی برای کیفیت، شفافیت^۱ و اعتمادپذیری^۲ صورت‌های مالی قائل‌اند. چنانچه این صورت‌ها صحیح و باکیفیت باشند تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری بهبود می‌یابد و در نتیجه فرایند تخصیص منابع در اقتصاد بهینه می‌شود. از سوی دیگر اطلاعات همراه‌کننده به تصمیم‌گیری‌های نادرست و اتلاف منابع منجر خواهد شد. یکی از عوامل مؤثر در کاهش اعتمادپذیری گزارش‌ها و صورت‌های مالی پدیده‌ی تقلب است و موجب افزایش ریسک و هزینه‌ی کسب‌وکار شده، اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش داده و اعتبار و درست‌کاری حرفه‌ی حسابداری را زیر سؤال می‌برد.

شواهد موجود گویای آن است که موضوع تقلب صورت‌های مالی به عنوان یک مشکل جدی در میان سرمایه‌گذاران، مدیران، مجامع حرفه‌ای حسابداری و مراجع قانونی مطرح شده است. میزان هزینه‌ها و خسارات ناشی از تقلب در سال‌های اخیر بالغ بر میلیاردها دلار بوده است (کاتن، ۲۰۰۲). صورت‌های مالی حسابرسی شده پایه و اساس بازارهای اوراق بهادار است. این صورت‌ها برای سرمایه‌گذاران نشانه‌ای هستند تا در خصوص خرید، نگهداری و یا فروش سهام تصمیم بگیرند. هم‌چنین صورت‌های مالی حسابرسی شده کارایی بازار^۳ را از طریق هدایت صحیح قیمت‌های معاملاتی بهبود می‌بخشند (رضایی، ۲۰۱۰). در طی سال‌های اخیر جامعه همواره از حسابرسان انتظار داشته است تقلب صورت‌های مالی را کشف کنند. حسابرسان باید حسابرسی خود را طوری برنامه‌ریزی و اجرا کنند که از نبود اشتباه یا تقلب با اهمیت در صورت‌های مالی اطمینانی معقول

حاصل شود. حسابرسی با کشف اشتباهات و تقلبات موجب کاهش ریسک همراه‌کننده بودن اطلاعات مالی می‌گردد، بازارهای سرمایه را کاراتر می‌کند و نیز هزینه‌ی سرمایه^۴ را کاهش می‌دهد. لازم است حسابرسان از شرایط موجود، ضعف‌های کنترلی، کاستی‌ها در ثبت سوابق و معاملات غیرعادی که می‌تواند حاکی از تقلب، عملیات غیرمجاز و اتلاف منابع باشد آگاه باشند و خطرات مربوط به آن را ارزیابی و در رسیدگی‌های خود لحاظ کنند. با این حال، تجربه نشان داده است که حسابرسی مستقل صورت‌های مالی به تنهایی هیچ‌گاه نمی‌تواند تمام اشتباهات و تقلبات را کشف کند، چراکه روش‌های حسابرسی اساساً برای این منظور طراحی نشده است. علاوه بر این، مسأله‌ی پیشگیری قبل از کشف مطرح می‌گردد که این نیز در حیطه‌ی وظایف مدیر و در چارچوب کنترل‌های داخلی سازمان قرار می‌گیرد.

در سال‌های اخیر مجامع حرفه‌ای به ارائه‌ی راهکارهایی برای پیشگیری و کشف تقلب صورت‌های مالی توجه زیادی کرده‌اند. اولین بار در سال ۱۹۸۸ هیأت استانداردهای حسابرسی^۵، استاندارد حسابرسی^۶ شماره‌ی ۵۳ را با عنوان «مسئولیت حسابرسان در کشف و گزارشگری اشتباهات و تخلفات» منتشر کرد که در سال ۱۹۹۷ استاندارد شماره‌ی ۸۲ با عنوان «ارزیابی تقلب صورت‌های مالی» جایگزین آن شد و در نهایت در سال ۲۰۰۲ استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۹۹ با انجام برخی اصلاحات و اضافات، با همان عنوان، جایگزین استاندارد ۸۲ شد. در ایران نیز در سال ۱۳۷۷ با انتشار استانداردهای حسابرسی ایران از سوی سازمان حسابرسی، استاندارد شماره‌ی ۲۴ با عنوان «اشتباه و تقلب» به این



سازوکارهای بروز قلب

پی بردن به وجود قلب، بیش تر هنر است تا علم. هم تفکر ابتکاری و خلاقانه می خواهد، هم باریک سنجی و تمامیت علمی. برای حسابرسی قلب، استواری، پیگیری و اعتماد به نفس مهم تر از آشنایی صرف با اصول و استانداردهای حسابرسی است. قلب را هم می توان یافت و هم به صورت تصادفی کشف کرد (ادهمی و خواجوی، ۱۳۹۰). برای پیشگیری و کشف قلب ضروری است که حسابرسان از عوامل احتمالی اثرگذار بر وقوع قلب درک جامعی داشته باشند. البته وجود چنین عواملی ضرورتاً به معنی وقوع قلب نیست بلکه حساسیت حسابرس را نسبت به امکان وقوع قلب افزایش می دهد. به طور کلی برخی عوامل ناشی از انگیزه های افراد و برخی عوامل دیگر ناشی از شرایط محیطی^۷ و سازمانی واحدهای تجاری است. انگیزه های اقتصادی در قالب منافع یا نیازهای مالی متداول ترین انگیزه ی قلب هستند. برخی افراد نیز به دلیل انگیزه های روحی و روانی نظیر قدرت طلبی یا کسب منزلت اجتماعی و مورد توجه قرار گرفتن به قلب دست می زنند. در بخش دولتی نیز شواهد نشان می دهد انگیزه های سیاسی عامل اصلی وقوع قلب در حساب های دولتی است (استالبرینگ و ساکو، ۲۰۰۶). معمولاً در صورت بروز قلب سه

وضعیت زیر رخ می دهد:

- انگیزه^۸ یا فشار^۹ ارتکاب به قلب در میان مدیران یا سایر کارکنان وجود داشته باشد.

- وضعیت موجود فرصت انجام قلب را فراهم سازد. برای مثال عدم کفایت کنترل های داخلی زمینه ی انجام قلب را فراهم سازد.

- اشخاص قادر به توجیه عمل متقلبانه خود باشند. برای مثال کارکنان کمبود حقوق را دلیل سوء استفاده از دارایی ها عنوان کنند (استاندارد حسابرسی شماره ی ۹۹، ۲۰۰۲).

برخی عوامل اثرگذار دیگر بر وقوع قلب مربوط به محیط و شرایط سازمانی واحدها است. فضا و فرهنگ حاکم بر واحدها نقش مهمی در وقوع قلب دارند. برای مثال در مواردی که مدیریت خیلی بی اعتنا، خشک یا حساس باشد، با کارکنان بد رفتاری نماید و عملکرد آنها را بر اساس نتایج کوتاه مدت و بدون در نظر گرفتن سایر مشکلات ارزیابی کند، تأثیر آن در روحیه ی کارکنان ممکن است به وقوع قلب منجر شود. رویه ها، خط مشی ها و کنترل های حاکم بر سازمان ها نیز اهمیت به سزایی دارد. در سازمانی که خط مشی آن نامشخص، کنترل های داخلی آن ضعیف و مقررات آن بیش از حد باشد، احتمال سوء استفاده از دارایی ها و قلب بیشتر است.

عواملی نظیر صرفه های مالیاتی، طرح های انگیزشی مانند اختیارات سهام مدیران ارشد، هموارسازی سود، رتبه بندی های اعتباری و مسائل رقابتی می تواند در تحریک قلب صورت های مالی مؤثر باشند (استرانگ و می یر، ۱۹۸۷).

بر اساس برخی تحقیقات انجام شده می توان گفت همبستگی مثبتی میان نام تجاری و شهرت (شرکت های

بزرگ حسابرسی در مقابل بقیه شرکت ها) و درک عمومی از کیفیت حسابرسی و احتمال کشف قلب صورت های مالی وجود دارد. موفقیت بالاتر برخی شرکت ها در پیشگیری و کشف قلب می تواند ناشی از عوامل زیر باشد:

(۱) توانایی بیشتر در مقاومت در برابر خواسته ی مشتریان (۲) قائل شدن اهمیت و نگرانی بیشتر برای اعتبار و شهرت خود (۳) در اختیار داشتن منابع بیشتر به شکل کارکنان ماهر و تکنولوژی پیشرفته (۴) برخورداری از فرایند استراتژی های حسابرسی توسعه یافته تر (لادام و جاکوبز، ۲۰۰۰).

در برخی موارد از قبیل قلب در بخش های دولتی، توجیه و منطقی سازی^{۱۰} قلب صورت های مالی ریشه در مسائل سیاسی دارد تا انگیزه های اقتصادی و اغلب توسط صاحب منصبان توجیه می شود. همچنین روند کشف قلب صورت های مالی دولتی به دلیل محدودیت های اساسی مالکیت دولتی، نظیر فقدان انگیزه های مالکیت خصوصی، آهسته تر از کشف قلب در بخش خصوصی است (استالبرینگ و ساکو، ۲۰۰۶).

در ایران نیز به دنبال فشارهای موجود، حرفه ی مسئولیت کشف قلب های با اهمیت صورت های مالی را تا حد معقول و همچنین مسئولیت ارزیابی کفایت و اثربخشی کنترل های داخلی مدیریت را جهت پیشگیری و کشف قلب پذیرفته است (نادریان و صفار، ۱۳۸۰).

عوامل زیادی ممکن است بر وقوع قلب اثرگذار باشد. در این بخش برخی از سازوکارهای مؤثر در وقوع قلب بیان و تشریح می شود. بررسی این عوامل می تواند به ارائه ی استراتژی هایی جهت پیشگیری و کشف قلب منجر شود.

مرتکبان تقلب

مهم‌ترین عامل در وقوع تقلب نیروی انسانی است. در واقع افراد متقلب ممکن است از هر قشری از جامعه باشند. این افراد از تمام سطوح آموزشی و حرفه‌ای، چهره‌ها، اندازه‌ها، رنگ‌ها و نژادها، جنسیت‌ها، از هر طبقه‌ی اجتماعی و اقتصادی، هر مذهب و ملیتی به‌پا می‌خیزند (مرادی و سلیمانی مارشک، ۱۳۸۹). یافته‌های گزارش اداره‌ی حسابداران عمومی آمریکا^{۱۱} نشان می‌دهد که در اغلب موارد مدیران ارشد اجرایی و مدیران مالی^{۱۲} با تقلب صورت‌های مالی ارتباط دارند (اداره‌ی حسابداری عمومی ایالات متحده، ۲۰۰۲). همانگونه که در استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۹۹ آمریکا و استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۲۴ ایران ذکر شده است یکی از عوامل احتمالی اثرگذار بر وقوع تقلب تردید درباره‌ی درست‌کاری و صلاحیت مدیریت است؛ مدیریت یکی از منابع اصلی کسب اطلاعات در خصوص تقلب است. عوامل اثرگذار بر صلاحیت و درست‌کاری مدیریت عبارتند از (بیانیه حسابرسی شماره‌ی ۸۲):

- تسلط یک مدیر بر مدیریت واحد مورد رسیدگی و نبود هیأت ناظر یا کمیته‌ای مؤثر برای نظارت بر کار مدیران
- وجود ساختار پیچیده و غیرضروری سازمانی
- قصور در رفع نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، درجایی که چنین کاری عملی است
- وجود تغییرات زیاد در ترکیب کارکنان اصلی امور مالی
- کمبود قابل‌ملاحظه تعداد کارکنان امور مالی برای مدت طولانی
- تعویض مکرر مشاوران حقوقی یا حسابرسان

سایر اشخاصی که ممکن است در تقلب صورت‌های مالی مداخله داشته باشند عبارتند از مسئولان بخش‌های عملیاتی، اعضای هیأت مدیره، حسابرسان داخلی و حتی حسابرسان مستقل. همواره باید در نظر گرفت که حق‌الزحمه‌ی حسابرس مستقل را واحد مورد رسیدگی تأمین می‌کند و لذا خطر از دست دادن استقلال حسابرس به دلیل انگیزه‌های اقتصادی وجود دارد. بخش اعظمی از تقلب صورت‌های مالی با مشارکت، تشویق و آگاهی تیم مدیران ارشد مالی و اجرایی رخ می‌دهد (رونن و چرنی، ۲۰۰۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اغلب موارد تقلب صورت‌های مالی ناشی از اقدام یا چشم‌پوشی عمده‌ی تیم مدیریتی است. انگیزه‌ها یا فشارهای حاکم بر مدیریت می‌تواند وسوسه‌ی اقدام به تقلب را برانگیزد.

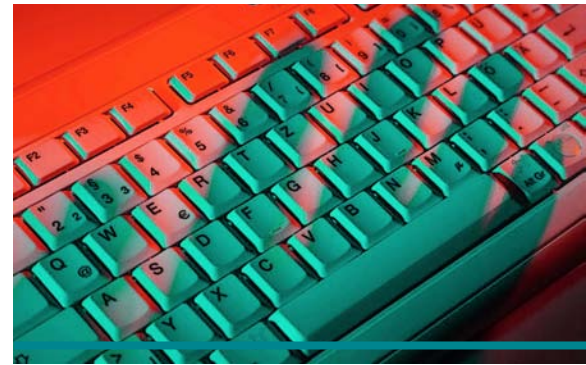
قانون ساربینز اکسلی ۲۰۰۲ وظیفه‌ی مدیران را در پاسخ‌گویی نسبت به کیفیت، صحت و اعتمادپذیری صورت‌های مالی افزایش داده است. این قانون الزامات زیر را برقرار کرده است: (۱) مدیران ارشد اجرایی و مدیران مالی صحت و کامل بودن صورت‌های مالی را تأیید و تضمین کنند. (۲) مدیران مسئول ایجاد و نگهداری کنترل‌های داخلی اثربخش و کافی هستند. (۳) مدیران هیچ گونه عملی در جهت فریب دادن و گمراه کردن حسابرسان در انجام رسیدگی‌ها مرتکب نشوند. (۴) بخش بحث و تجزیه و تحلیل مدیریتی^{۱۳} باید برآورده‌های عمده‌ی حسابداری و رویه‌های حسابداری را مورد بحث قرار داده و به‌طور کامل افشا کند. (۵) چنانچه صورت‌های مالی ارائه‌شده از سوی مدیران از نظر کمیسیون بورس اوراق بهادار، گمراه‌کننده و غیرقابل قبول باشد مدیران باید هرگونه عواید

و منافع به‌دست آمده‌ی ناشی از آن را برگشت دهند. (۶) شرکت‌ها معاملات داخلی سهام خود را بلافاصله افشا کنند. (۷) شرکت‌ها اعطای وام به مدیران را منع کنند. انتظار می‌رود اجرای صحیح این قانون بر رفتار مدیران اثر گذارد و آن‌ها را به گزارشگری صادقانه‌تر و وظیفه‌شناسانه‌تر عملکرد و وضعیت مالی شرکت تشویق کند.

روش‌های انجام تقلب

تقلب صورت‌های مالی می‌تواند به روش‌های متعدد و در زمینه‌های متفاوتی انجام شود. بیشترین تقلب‌ها در زمینه‌ی تقلب سود و درآمد و کمترین تقلب‌ها در زمینه‌ی حساب‌های پرداختنی رخ داده است. تقلب صورت‌های مالی ممکن است در ارائه‌ی بیش از واقع درآمدها و دارایی‌ها تا ارائه کمتر از واقع بدهی‌ها و هزینه‌ها انجام شود. این تقلب‌ها اغلب در صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای شروع شده و تا صورت‌های مالی سالانه ادامه دارند. بیشترین حجم تقلب‌های انجام شده مربوط به تقلب به صورت ایجاد معاملات صوری و جعلی است و لذا حسابرسان باید بیشترین توجه خود را به این موضوع معطوف نمایند. مدیریت سود^{۱۴} عمومی‌ترین روش تقلب صورت‌های مالی است (بیسلی و همکاران، ۱۹۹۹) تقلب صورت‌های مالی ممکن است به صورت‌های زیر ظاهر شود:

- تحریف^{۱۵}، تغییر^{۱۶}، یا دستکاری^{۱۷} ثبت‌های بااهمیت حسابداری، اسناد مثبته یا معاملات تجاری.
- ارائه‌ی نادرست^{۱۸}، حذف و یا بد جلوه دادن وقایع، حساب‌ها و معاملات بااهمیت به‌طور عمده.
- کاربرد یا تفسیر نادرست استانداردها، اصول و رویه‌های مورد استفاده در اندازه‌گیری، شناسایی و گزارشگری



رویدادهای مالی به طور عمدی.

-تخصیص یا کاربرد نادرست دارایی‌ها و سوء استفاده از آن‌ها به طور عمدی.

-پنهان‌سازی معاملات یا ثبت معاملات صوری. برای مثال می‌توان ارائه‌ی بیش از واقع فروش را با ایجاد فاکتورهای جعلی و صوری ذکر کرد. انتظار می‌رود در شرکت‌هایی با ویژگی‌های زیر زمینه‌ی گسترده‌تری برای وقوع تقلب وجود داشته باشد: (۱) شرکت‌هایی که قراردادهای غیر عادی، جهت‌دار و جانب‌دارانه دارند. (۲) فروش مشروط و غیرقطعی دارند. (۳) فروش‌هایی که همه مراحل لازم را سپری نکرده‌اند، به عنوان فروش کامل شناسایی می‌کنند. (۴) در پایان دوره‌ی مالی فروش‌های غیرعادی و مقطعی دارند. (۵) کنترل آن‌ها در خصوص محموله‌های فروش ضعیف است. علاوه بر مواردی که در بالا اشاره شد، نمونه‌های دیگری از متداول‌ترین روش‌های انجام تقلب شامل دریافت و پرداخت رشوه، تبانی در مناقصه‌ها و تقلب‌های رایانه‌ای می‌شود.

انگیزه‌های تقلب

سومین عامل مربوط به تقلب صورت‌های مالی به انگیزه‌های مرتکبین آن‌ها از انجام تقلب بر می‌گردد. به طور کلی انگیزه‌ها به دو بخش روانی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. انگیزه‌های

روانی شامل مواردی نظیر قدرت‌طلبی، خودپسندی، اعتقادات، رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی و یا تفکرات ایدئولوژیک افراد است. افراد ممکن است به دنبال کسب موقعیت و ترقی جایگاه شغلی و اجتماعی خود و یا بر اساس اعتقادات و رفتارهای شخصیتی خود به تقلب دست بزنند. این افراد احساس می‌کنند که جایگاه فعلی برای آن‌ها مناسب نیست و استحقاق جایگاه بهتر دارند و شاید خصایصی نظیر حسادت، غرور و انتقام‌گیری داشته باشند و به دنبال اداره و هدایت بازار و یا تغییر وضعیت آن به سود خود هستند. گاهی نیز ممکن است افراد با توجه به این تفکر که حق و حقوق آن‌ها ضایع شده است و یا به جایگاه واقعی خود نرسیده‌اند دست به تقلب بزنند.

بخش عمده‌ی تقلب‌های صورت‌های مالی ناشی از انگیزه‌های اقتصادی است. تقلب صورت‌های مالی، زمانی با احتمال بیش‌تری رخ می‌دهد که شرکت‌ها محرک‌های قوی و دلایل اقتصادی برای گزارشگری بهتر از واقعیت عملکردهای خود نسبت به عملکردی که طبق اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری (GAAP) باید گزارش شود، داشته باشند (رضایی، ۲۰۱۰). مالکیت بخشی از سهام شرکت و نزدیک بودن شاخص‌ها و نسبت‌ها به محدودیت‌های ایجاد بدهی، دو متغیر اساسی مؤثر بر تمایل مدیریت به تقلب محسوب می‌شوند. همچنین زمانی که شرکت‌ها در فشار و بحران مالی باشند، انگیزه‌ی بیشتری برای ارتکاب به تقلب دارند. دلایل مشخص زیر انگیزه‌های اقتصادی مدیران و شرکت‌ها جهت تقلب صورت‌های مالی می‌باشند: (۱) اجتناب از گزارشگری زیان و مبالغه ورزیدن در ارائه‌ی عملکردهای مالی (۲) دستیابی به پیش‌بینی‌ها و برآورده

ساختن انتظارات تحلیلگران مالی^{۱۹} در خصوص رشد سود (۳) افزایش قیمت سهام و ایجاد تقاضا برای صدور سهام جدید (۴) دستیابی به جایگاه معاملاتی در فهرست سهام بازار بورس یا تأمین حداقل معیارها جهت جلوگیری از اخراج از بورس (۵) استفاده‌های شخصی از دارایی‌ها (۶) پنهان‌سازی کاستی‌ها و کمبودهای عملکردی.

نظارت و بازنگری

فرایند گزارشگری مالی یک سازوکار نظارتی است شامل: (۱) نظارت مستقیم هیأت مدیره، کمیته‌ی حسابرسی، حسابرسان مستقل و مراجع قانونی نظیر کمیسیون بورس اوراق بهادار و (۲) بازبینی و بررسی غیرمستقیم توسط سهام‌داران و سرمایه‌گذاران و تحلیلگران و بانک‌های سرمایه‌گذاری (دچو و همکاران، ۱۹۹۶). مهم‌ترین عوامل نظارتی که می‌توانند بر پیشگیری و کشف تقلب صورت‌های مالی اثرگذار باشند هیأت مدیره، کمیته‌ی حسابرسی و حسابرس مستقل هستند. قانون ساربینز اکسلی با بهبود کیفیت تیم مدیریتی و افزایش مسئولیت پاسخ‌گویی آن‌ها و بهبود صحت و شفافیت اطلاعات مالی در این جهت حرکت می‌کند.

کمیته‌ی حسابرسی فعال و شایسته نقش مهمی در نظارت بر صحت و کیفیت گزارشگری مالی و اثربخشی حسابرسی داخلی و مستقل دارد و در عین حال کمیته‌ی حسابرسی غیرفعال و غیر شایسته زمینه‌ی لازم برای ارتکاب تقلب را فراهم می‌سازد. اعضای کمیته‌ی حسابرسی باید از اعضای غیرموظف و مستقل هیأت مدیره که حتی‌الامکان دارای تجربه و دانش مالی کافی باشند، انتخاب شوند.

دیگر ابزار نظارتی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی، وجود یک ساختار اثربخش و کافی کنترل‌های داخلی^{۲۰}



و حسابرسی داخلی است. از آنجا که مدیران مسئول طراحی و نگهداری کنترل‌های داخلی هستند حساب‌برسان داخلی و مستقل باید از کفایت و اثربخشی کنترل‌های داخلی در پیشگیری، کشف و اصلاح تقلب‌های صورت‌های مالی و همچنین عدم زیرپاگذاری این کنترل‌ها از سوی مدیریت اطمینان یابند. استاندارد حسابرسی ۹۹ بیان می‌کند که هیچ‌گاه نباید از این موضوع غافل شد که همواره خطر زیرپاگذاری کنترل‌های داخلی توسط مدیریت وجود دارد. مدیریت باید به طور دوره‌ای اثربخشی و کفایت کنترل‌های داخلی را ارزیابی کند. قانون ساربینز اکسلی ۲۰۰۲ انتظار دارد که با ارائه‌ی راهکارهای زیر هدفمندی و اثر بخشی حسابرسی را افزایش دهد:

- (۱) منع شرکت‌های حسابرسی از ارائه‌ی خدمات غیرحسابرسی نظیر دفترداری و طراحی سیستم‌های حسابداری.
- (۲) جابجایی و جایگزینی حساب‌برسان ارشد یا شرکای حسابرسی هر پنج سال یک بار؛ در این خصوص گاوپوس (۲۰۰۶)، بیان کرد که جابجایی و چرخش شرکت‌های حسابرسی مفیدتر از چرخش شرکای حسابرسی است.
- (۳) گزارش اصول و رویه‌های اصلی

حسابداری مورد استفاده توسط واحد مورد رسیدگی به کمیته‌ی حسابرسی (۴) ارزیابی کفایت و اثربخشی کنترل‌های داخلی و گزارش نتایج آن (۵) حفظ کاربرگ‌ها و شواهد حسابرسی برای مدت حداقل ۵ سال پس از هر کار حسابرسی

توجه به نتایج و پیامدهای تقلب

مسئولیت تقلب در درجه‌ی اول به عهده‌ی مدیران است. حساب‌برسان مسئولیت نامحدود ندارد و بنابراین نمی‌توان گفت در مقابل هرگونه تقلب در شرکت مسئولیت دارد. در واقع حساب‌برسان آخرین نفر در فرایند کشف تقلب محسوب می‌شود. فرصت، فشار و توجیه منجر به تقلب می‌گردد، این عوامل قرینه‌های تقلب از قبیل پذیرش بی‌رویه‌ی ریسک، جعل مدرک، تغییر ناگهانی رفتار نیروها را ایجاد می‌نماید. رفع همه‌ی این عوامل که ارتکاب تقلب از لحاظ ذهنی و عملی را تسهیل می‌نماید، با اجرای فرهنگ سازمانی بالا توسط مدیران انجام می‌گردد. تقلب توسط هر دو گروه مدیر و کارکنان قابل انجام است. اما عواقب آن به مدیر و سیستم مدیریت برمی‌گردد.

پیامدهای شخصی تقلب برای مدیران ارشد ممکن است به صورت‌های زیر ظاهر شود: (۱) از دست دادن پاداش خود که بر مبنای ارزش سهام بوده است، (۲) تحت فشار قرارگرفتن برای استعفا، و (۳) منع شدن از ارائه‌ی خدمت به عنوان مدیر سایر شرکت‌ها از طریق سازمان بورس. حساب‌برسان مستقل درگیر در تقلب صورت‌های مالی نیز از پیامدهای شخصی و حرفه‌ای آن رنج می‌برند. اندرسون یکی از پنج شرکت بزرگ حسابرسی که صورت‌های مالی انرون و وردکام را حسابرسی کرده بود، به جرم قصور در حسابرسی و تباہ کردن شواهد حسابرسی محکوم و جریمه شد.

استراتژی‌های پیشگیری و کشف تقلب

تقلب‌های صورت‌های مالی گزارش شده‌ی اخیر و کاهش قیمت‌های ناشی از آن در بازار سهام، اهمیت کیفیت گزارشات مالی و وظیفه‌ی حساب‌برسان و همچنین اهمیت فهم علل وقوع رسوایی‌های مالی را نشان می‌دهد. این تقلب‌ها نگرانی‌های زیادی در خصوص موارد زیر به دنبال داشته است: (۱) اثربخشی افشاها، (۲) رفتار اخلاقی و درست مدیران

ارشد به خصوص مواقعی که آن‌ها در معرض اتهام مداخله در تقلب باشند، (۳) کفایت و اثربخشی کنترل‌های داخلی، (۴) اعتمادپذیری گزارش‌های مالی، (۵) کیفیت حسابرسی، و (۶) درست‌کاری در بازار سهام.

عوامل زیادی در رسوایی‌های مالی اخیر خصوصاً انرون و وردکام دخیل هستند، نظیر (۱) فقدان وظیفه‌ی بازرسی و نظارت هوشمندانه، (۲) غرور و طمع مدیریت، (۳) رفتارهای تجاری ناشایست از سوی مدیران ارشد، (۴) بخش‌های حسابرسی غیراثربخش، (۵) مقررات ضعیف، (۶) افشاهای مالی ناکافی و غیرشفاف، و (۷) سهام‌داران بی‌اعتنا. اگرچه با توجه به شرایط، روش‌ها و راهبردهای متفاوت و متعددی برای مقابله با تقلب قابل استفاده است، با این حال با بررسی عوامل مؤثر بر تقلب و نتایج مطالعات تجربی قبلی، برخی استراتژی‌های پیشگیری و کشف تقلب که جنبه‌ی عمومی دارند در ادامه مطرح می‌شود.

آسیب‌پذیر کردن تقلب و ایجاد محیط نامساعد برای تقلب

بررسی آسیب‌پذیری تقلب^{۲۱} هم به صورت دوره‌ای و هم به صورت مستمر باید انجام شود. شرکت‌ها باید آسیب‌پذیری تقلب را مورد توجه قرار داده، اجرا کنند و فعالیت‌های تقلب‌آمیز را گزارش نمایند. شرکت‌ها باید سیاستی مناسب برای ایجاد فضایی که عاملان تقلب را نگران کند، برقرار نمایند. برای مثال به دنبال نگرانی‌های ایجادشده از وضعیت انرون و وردکام شرکت‌های دیگری نظیر کوکاکولا یک دفتر گزارشگری محرمانه جهت رسیدگی به مطالب مهم در خصوص امور شرکت شامل موارد احتمالی تقلب ایجاد کردند. بخش ۳۰۱ قانون سارینز

اکسلی ۲۰۰۲، کمیته‌ی حسابرسی را به ایجاد رویه‌هایی برای دریافت و برخورد با شکایت‌های مرتبط با موضوعات حسابداری و حسابرسی از جانب افرادی که میل ندارند نامشان فاش شود، ملزم کرده است. این قانون برای کارکنانی که اطلاعات در مورد تقلب را افشا یا به پیشگیری و کشف آن کمک کنند، حمایت‌هایی مقرر کرده است.

بررسی تفکرات، استعدادها و روابط تیم مدیریتی

برای رسیدن به هدف ایجاد ارزش برای سهام‌داران، مدیران ارشد ممکن است از هر نیرنگ و تقلبی در دفاتر برای مدیریت سود، دستیابی به پیش‌بینی‌های تحلیلگران و جلوگیری از کاهش و سقوط قیمت بازار سهام دریغ نکنند. یک ارزیابی جامع از تیم مدیریت شامل ارزیابی فلسفی، رفتاری، سبک عملیاتی تصمیم‌گیری، فعالیت‌ها، عقاید و ارزش‌های اخلاقی در زمینه‌ی فرایند گزارشگری مالی و بررسی مداوم روابط گزارشگری مالی مدیریت با تحلیلگران، حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل، هیأت مدیره و کمیته‌ی حسابرسی است. بررسی مقطعی موارد بالا توسط هیأت مدیره و کمیته‌ی حسابرسی می‌تواند کیفیت، شفافیت و اعتمادپذیری اطلاعات مالی را به واسطه‌ی پیشگیری و کاهش امکان تبانی میان مرتکبین تقلب صورت‌های مالی بهبود بخشد. ایجاد یک محیط کاری اخلاقی از طریق ترویج یک نظام اخلاقی و بیان این‌که هیچ‌گونه حرکت تقلب‌آمیزی قابل تحمل نیست می‌تواند وقوع تقلب را کاهش دهد.

مشارکت مؤثر و هوشمندانه‌ی اداره‌کنندگان شرکت

راهبری شرکت^{۲۲} راه و روشی را که یک شرکت برای پاسخ‌دهی صحیح عملکرد مالی و مدیریتی اتخاذ می‌کند،



نهاد نظارتی در نواحی افشا، گزارشگری مالی، ساختار کنترل‌های داخلی و بخش‌های حسابرسی در شرکت‌ها ایفای نقش می‌کند. قانون ساربینز اکسلی ۲۰۰۲ کمیته‌ی حسابرسی را ملزم می‌کند که: (۱) مسئول مستقیم استقرار و برقراری سیستم پاداش‌دهی و نظارت برکار حسابرسان داخلی باشد. (۲) ترکیبی از اعضای غیر موظف و مستقل هیأت مدیره باشد. (۳) مجوز استخدام و به‌کارگیری مشاوران را داشته باشد. (۴) بتواند نوع و میزان خدمات غیر حسابرسی قابل استفاده از حسابرسی مستقل را تصویب کند. (۵) رویه‌هایی برای به‌کارگیری نظرات بااهمیت خود در خصوص موارد حسابداری و حسابرسی برقرار سازد. (۶) حداقل یکی از اعضای کمیته‌ی حسابرسی متخصص امور مالی باشد. (۷) گزارشات قانونی را از حسابرس مستقل در خصوص رویه‌های حسابداری دریافت کند. (۸) گزارش‌های وکیل شرکت در مورد شواهد تخلفات مهم از قوانین یا خیانت‌ها را دریافت کند.

شناسایی مناطق پرخطر و اجرای

برنامه‌های پیشگیری

کسب شناخت از واحد مورد رسیدگی حسابرس را به شناسایی حوزه‌های پرخطری که احتمال وقوع تقلب در آن‌ها بیشتر است، قادر می‌کند. برخی از حوزه‌هایی که به‌طور تجربی به عنوان مناطق پرخطر شناسایی شده‌اند شامل موارد زیر است:

- قراردادهای خرید و فروش کالا و خدمت
- مدیریت موجودی‌ها و وصول درآمدها
- صدور مجوزها و تسویه حساب‌ها
- مدیریت وجوه نقد و هزینه‌های عمومی
- شرکت‌ها باید برنامه‌های پیشگیری

تعیین می‌کند. عوامل راهبری شرکت عبارتند از: هیأت مدیره، کمیته‌ی حسابرسی، مدیران ارشد، حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل و هیأت راهبری^{۳۳}. راهبری شرکت از منافع سهام‌داران حفاظت می‌کند، نسبت به اطمینان از صحت، کیفیت و اعتمادپذیری گزارشگری مالی اطمینان می‌دهد، کفایت و اثربخشی ساختار کنترل‌های داخلی را نظارت و بررسی می‌کند و از کیفیت کار حسابرسی اطمینان می‌دهد. راهبری شرکت به‌طور سنتی بر جنبه‌ی امانتداری در خصوص اطمینان از این‌که دارایی‌های سازمان در امنیت هستند تمرکز دارند و بر تأسیس و نگهداری سیستم‌های کنترل داخلی اثربخش و کافی جهت حفاظت از دارایی‌ها در مقابل زیان و سرقت و اطمینان از اعتمادپذیری گزارشگری مالی تمرکز دارند.

تخلفات و سوء استفاده‌های اخیر توجه بیشتری را به راهبری شرکت جلب کرده است. بازارهای سهام سازمان‌دهی شده، اصولی را به منظور راهنمایی سازوکارهای راهبری شرکت در تلاش جهت بهبود کیفیت گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و اعتمادپذیری کار حسابرسی تهیه کرده‌اند. این اصول تدوین شده در امریکا پیشنهاد می‌کند که:

- (۱) بخش اعظمی از هیأت مدیره شامل مدیرانی باشد که هم ظاهراً و هم واقعاً مستقل هستند. (۲) تنها مدیران مستقل در کمیته‌ی حسابرسی عضو باشند. (۳) انتخاب و گزینش حسابرس مستقل را کمیته‌ی حسابرس پیشنهاد دهد. (۴) ساختار پاداش مدیریت باید منافع مدیریت را به منافع درازمدت سهام‌داران متصل و مرتبط کند. (۵) اختیارات سهام را سهام‌داران تصویب کنند (رضایی، ۲۰۱۰).
- کمیته‌ی حسابرسی به عنوان مهم‌ترین



قراردادهای خرید و فروش کالا و خدمت

مدیریت موجودی‌ها و وصول درآمدها

صدور مجوزها و تسویه حساب‌ها

مدیریت وجوه نقد و هزینه‌های عمومی

تقلب خود را توسعه دهند، رویه‌ها و خط‌مشی‌های مناسبی را ایجاد کنند، سیاست‌های کلی و رویه‌های مربوط به هر فرد درون شرکت در خصوص تقلب را اعلام کند و رعایت آن‌ها را اجباری کرده و به طور دوره‌ای اثربخشی این موارد را در پیشگیری و کشف تقلب صورت‌های مالی ارزیابی کند و مورد نظارت قرار دهد. برنامه‌های پیشگیری تقلب را باید گروهی شامل حسابداران، حسابرسان داخلی، بازرسان و وکیل‌ها تدوین و رعایت آن اجباری شود و به طور شفاف بیان کند که این رویه‌ها و سیاست‌ها، مربوط به همه‌ی کارکنان حتی مدیریت است. این گروه باید به طور دوره‌ای کارایی و اثربخشی این برنامه‌ها را به هیأت مدیره و کمیته‌ی حسابرسی گزارش کند.

توجه به رعایت قوانین مربوطه و حفظ تردید حرفه‌ای

رویکرد اثربخشی حسابرسی هیأت ناظر عام^{۲۴} (POB) حسابرسان مستقل را به استفاده از رویه‌های حسابرسی برای اطمینان از رعایت قوانین و رویه‌های اثرگذار با استفاده از سطح بالای تردید حرفه‌ای در طول فرایند حسابرسی توصیه می‌کند و نیز این که توجه خاصی را به علائم و احتمال‌های تقلب صورت‌های مالی مبذول دارند.

یک تردید حرفه‌ای^{۲۵} رفتاری است که مستلزم تفکر پرسشگرانه و ارزیابی انتقادی شواهد حسابرسی است (بیانیه‌ی حسابرسی شماره ۹۹) و حسابرسان را به برنامه‌ریزی و اجرای هر کار حسابرسی همراه با تفکر پرسشگرانه و تردید حرفه‌ای ملزم می‌کند. طبق این بیانیه حسابرسان ملزم به اجرای الزامات عملکرد حسابرسی در پیشگیری و کشف تقلب صورت‌های مالی‌اند: (۱) تفکر درباره‌ی چگونگی وقوع تقلب و استفاده

از آن جهت شناسایی ریسک تقلب و طراحی آزمون‌های حسابرسی با توجه به ریسک تقلب همراه با حفظ تردید حرفه‌ای (۲) پرس‌وجو از مدیریت و دیگران در مؤسسه (کمیته‌ی حسابرسی، حسابرس داخلی و سایر کارکنان) در خصوص ریسک تقلب و این که آیا آن‌ها از تقلب آگاهی دارند. (۳) آزمون نواحی و حساب‌هایی که جای دیگری به دست مدیریت آزمون نشده‌اند (مناطق‌ی که کمتر مورد توجه مدیریت هستند). (۴) انجام رویه‌های حسابرسی مشخص برای کشف موارد انحلال یا زیرپاگذاری کنترل‌های مدیریت.

تجربه، آموزش و استقلال حسابرسان

نقش تجربه و آموزش را در برآورد خطر تقلب و کشف تقلبات موجود نمی‌توان منکر شد. نپ و نپ (۲۰۰۱)، اثر تجربه و آموزش ارزیابی ریسک تقلب صورت‌های مالی را در کشف تقلب بررسی کردند. آن‌ها آزمون خود را در دو گروه مدیران حسابرسی و حسابرسان ارشد انجام دادند. درخصوص اثر تجربه، مدیران حسابرسی در ارزیابی ریسک تقلب نسبت به حسابرسان ارشد اثربخش‌تر عمل کردند. در خصوص اثر آموزش نیز نتایج نشان داد که ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان زمانی

که آن‌ها آموزش لازم را در این خصوص دیده باشند، اثربخش‌تر است.

انجام خدمات غیرحسابرسی توسط حسابرسان مستقل ممکن است موجب خدشه‌دار شدن استقلال حسابرسان شود و تضاد منافع به وجود آورد. به‌ویژه مواقعی که حق‌الزحمه‌ی چنین خدماتی به میزان با اهمیتی بیشتر از حد معمول آن باشد. قانون سارییز اکسلی ۲۰۰۲، برای محافظت از استقلال حسابرسان، مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند که: (۱) یک هیأت نظارتی بر شرکت‌های عمومی نظارت کند. (۲) سایر استانداردهای حرفه‌ای و حسابرسی را رعایت کنند. (۳) کاربرگ‌های حسابرسی را حداقل برای هفت سال نگهداری نمایند. (۴) پرونده‌ی حسابرسی را برای بررسی به شریک دیگری ارائه نکنند. (۵) شرکای حسابرسی را که در یک کار حسابرسی درگیر هستند حداقل هر پنج سال یک بار جابه‌جا کنند. (۶) نسبت به کمیته‌ی حسابرسی مسئول باشند و گزارش قانونی در خصوص رویه‌های حسابداری به آن کمیته ارائه دهند. (۷) خدماتی نظیر دفترداری، طراحی سیستم و حسابرسی داخلی را برای مشتری حسابرسی خود انجام ندهند.

مذاکره با هیأت مدیره و کمیته‌ی

حسابرسی و حسابرس قبلی

مذاکره‌ی مستقیم حسابرس مستقل با هیأت مدیره و کمیته‌ی حسابرسی و حسابرس قبلی می‌تواند کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده را با تمرکز و تأکید بر حوزه‌هایی که می‌تواند نواحی بالقوه‌ی فعالیت‌های تقلب‌آمیز را نشان دهد، بهبود بخشد. کمیته‌ی حسابرسی با مشارکت و نظارت بر فرایند حسابرسی می‌تواند اثربخشی حسابرسی را افزایش دهد. کمیته‌ی حسابرسی باید برای اطمینان از این که حسابرسان مستقل، شایسته و نسبت به امور تجاری واحد مورد رسیدگی آگاه هستند، طرح حسابرسی و دامنه‌ی کار حسابرسی را بررسی و بر آن نظارت کنند. به‌هرحال، میزان روابط کاری میان حسابرس مستقل و هیأت مدیره و کمیته‌ی حسابرسی نباید اثر معکوس بر هدمندی و استقلال حسابرس داشته باشد. در واقع مذاکره با حسابرس قبلی به عنوان یکی از چهار رکن اساسی مقابله با تقلب محسوب می‌شود (گایوس، ۲۰۰۶).

حسابرسی داخلی اثربخش

حسابرسی داخلی می‌تواند به‌طور چشمگیری در ارزیابی موضوعات تقلب راهگشا و مفید باشد. حسابرسان داخلی براساس برنامه‌های حسابرسی، احتمال وقوع تقلب، خطرهای موجود در سازمان را ارزیابی می‌کنند. از آنجایی که حسابرسان مستقل بر ارائه‌ی نادرست صورت‌های مالی تأکید دارند، حسابرسان داخلی اغلب در وضعیت بهتری هستند تا علایم و نشانه‌های تقلب را کشف کنند، زیرا آن‌ها حضور مستمری در داخل سازمان دارند که برای آن‌ها درک و فهم بهتری از سازمان و سیستم کنترل داخلی آن فراهم می‌کنند (رحیمیان و آخوند زاده، ۱۳۹۰).

در واقع حسابرسی داخلی اولین خط مبارزه و مقابله با تقلب محسوب می‌شود. زیرا آن‌ها درک و آگاهی لازم و کافی از محیط تجاری و ساختار کنترل‌های داخلی را دارند. مسئولیت حسابرس داخلی برای کشف و گزارشگری تقلب صورت‌های مالی طبق رویکردهای حسابرسی داخلی عبارت است از: (۱) شناسایی علایم و آثاری که نشان می‌دهد ممکن است تقلب صورت‌های مالی رخ داده باشد. (۲) شناسایی فرصت‌هایی که می‌تواند به وقوع تقلب در صورت‌های مالی منجر شود. (۳) ارزیابی علایم و فرصت‌های تقلب شناسایی شده و تعیین فعالیت‌های ضروری برای کاهش و به حداقل رساندن احتمال وقوع تقلب. (۴) آگاه کردن افراد مناسب درون واحد شامل مدیران ارشد. (چنانچه آن‌ها در تقلب دست نداشته باشند)، هیأت مدیره و کمیته‌ی حسابرسی برای بررسی و پیگیری‌های بیشتر درخصوص امکان وقوع تقلب (فروز و همکاران، ۱۹۹۱).

خلاصه و نتیجه‌گیری

تقلب صورت‌های مالی تهدیدی جدی برای اطمینان مشارکت‌کنندگان بازار^{۲۶} به اطلاعات مالی است، هزینه‌های سنگینی برای اقشار مختلف به دنبال دارد و یک رفتار غیرقابل قبول، غیرقانونی و غیراخلاقی است. فرصت و امکان ارتکاب به تقلب زمانی افزایش می‌یابد که کنترل‌های داخلی واحدها ضعیف، ارکان مدیریتی آن کم اثر و کیفیت کار حسابرسی آن‌ها پایین باشد. شرکت‌ها در صورت شرایط زیر نیز ممکن است به تقلب اقدام کنند: (۱) مایل و قادر به تخلف از الزامات استانداردهای پذیرفته‌شده‌ی حسابداری و توجیه آن از طریق صدور بخش‌نامه‌های تقلب‌آمیز به عنوان رویه‌های حسابداری باشند. (۲) انگیزه‌ی مداخله در فعالیت‌های تقلب‌آمیز را به دلیل فشارهای اقتصادی

و مالکیتی درونی و بیرونی داشته باشند. (۳) فرصت ارتکاب به تقلب صورت‌های مالی را به دلیل نظارت و بازنگری‌های غیر اثربخش و غیرمسئولانه تیم مدیریتی داشته باشند.

مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر تقلب صورت‌های مالی شامل مرتکبین، روش‌ها، انگیزه‌ها، نظارت و بررسی و پی‌آمدهای نهایی تقلب هستند. برخی استراتژی‌های عمومی برای پیشگیری و کشف تقلب صورت‌های مالی ارائه شده است که توجه به این استراتژی‌ها و کاربرد آن‌ها نقش مؤثری در کاهش میزان تقلبات دارد. قانون ساربینز - اکسلی ۲۰۰۲ به دنبال یک سری رسوایی‌های مالی، سقوط قابل توجه حسابرسی و نتایج زیان‌بار این موارد در اطمینان بازار وضع شد، این قانون کمیسیون بورس و اوراق بهادار و سایر مراجع قانونی را به ارائه‌ی قوانین بیشتری که به موارد زیر کمک کند ملزم کرده است:

(۱) ایجاد یک چارچوب قانونی جدید برای حسابداران (۲) ارائه‌ی استانداردهای مناسب‌تری برای اداری امور واحدهای اقتصادی (۳) بهبود کیفیت و شفافیت اطلاعات مالی (۴) افزایش اثربخشی حسابرسی (۵) افزایش جریمه‌ها برای تخلفات و تقلبات. درهرحال، حرفه‌ی حسابرسی باید اطمینان عمومی را به خود جلب و آن را حفظ کند. مؤسسه‌های حسابرسی باید برای ایجاد محیطی که برای انجام تقلب نامساعد باشد، تلاش کند. آن‌ها باید با سایر نهادهای ملی و بین‌المللی مبارزه با فساد و تقلب همکاری و مبادله‌ی اطلاعاتی داشته باشند و با سایر مؤسسه‌های حسابرسی نیز تجارب و آگاهی‌های خود را در میان گذارند.

برای ارتقای توانمندی حرفه‌ی حسابداری در حفظ و افزایش اعتمادپذیری خود در جامعه، اجرای راهکارهای زیر ضروری به نظر می‌رسد:

استفاده از مدیران حرفه‌ای و پاسخ‌گو،
ایجاد مجراهای مطمئن برای مدافعان
درست‌کاری در راستای انتقال اطلاعات

تقلب، تقویت استقلال حسابرسان، استفاده
از نقش‌های جانبی حسابرسان مستقل از
قبیل مشاوره در طراحی و بهبود کنترل‌های

داخلی و توجه به تقلب به عنوان مبحثی
مهم در امر آموزش جهت دانشجویان و
افراد حرفه‌ای در تمام سطوح.

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|-----------------------------------|--------------------------------------|-------------------------------------|
| 1. Transparency | 11. The US General Accounting Office | 19. Analyst s Exception |
| 2. Credibility | 12. Top executive and financial man- | 20. Adequate and Effective Internal |
| 3. Market Efficiency | agres | Controls |
| 4. Cost of Capital | 13. Manegement s Discussion and | 21. Vulnerability Fraud |
| 5. Auditing Standards Board | Analysis (MD & A) | 22. Corporate Govenance |
| 6. Statement on Auditing Standard | 14. Earning Manegement | 23. governing bodies |
| 7. Environmental circumstances | 15. Falsification | 24. Public Oversight Board |
| 8. Incentive | 16. Alteration | 25. Professional Skepticism |
| 9. Pressure | 17. Manipulation | 26. Market Participant |
| 10. Rationalization | 18. Misstatement | |

منابع

۱. ادهمی، کریم و حسین خواجه‌وی، (۱۳۹۰). تقلب و حسابرسی تقلب. حسابدار رسمی، شماره ۱۵، پاییز، صص ۳۳-۳۹.
۲. بولو، قاسم (۱۳۸۲). مسئولیت حسابرسان در قبال تقلب. مجله‌ی حسابرس شماره ۲۰ صفحه ۳۷-۴۵.
۳. سازمان حسابرسی. استاندارد شماره ۲۴ حسابرسی. اشتباه و تقلب. تهران ۱۳۸۳.
۴. رحیمیان، نظام الدین و میثم آخوند زاده، (۱۳۹۰). نقش حسابرسان داخلی در پیشگیری و کشف تقلب. حسابدار رسمی، شماره ۱۵، پاییز، صص ۴۰-۴۴.
۵. مرادی، مهدی و مجتبی سلیمانی مارشک (۱۳۹۰). روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تقلب. فصلنامه دانش حسابرسی، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۰، صص ۵۶-۷۱.
۶. نادریان، محمدرضا و محمدجواد صفار، (۱۳۸۰). مسئولیت حسابرسان در قبال تقلب. مجله حسابرس شماره ۱۳، صص ۴۶-۵۴.
7. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). Statement on auditing standards (SAS) no. 82. Consideration of fraud in a financial statement audit. New York, NY: AICPA; 1997.
8. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). Statement on auditing standards (SAS) no. 99. Consideration of fraud in a financial statement audit. New York, NY: AICPA; 2002.
9. Beasley MS, Carcello JV, Hermanson DR. 1999. "Fraudulent financial reporting: 1987-1997. An analysis of public companies". New York, NY: COSO.
10. Cotton, D.L. 2002, "Fixing CPA ethics can be an inside job". Available at: <http://www.washingtonpost.com/ac2/wpdyn/A50649.2002Oct19?Language=printer>.
11. Dechow PM. Sloan RG. Sweeney AP. 1996. "Causes and consequences of earnings manipulation: an analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC". Accounting Research; 13 (Spring):1-36.
12. Feroz E, Park K, Pastena V. 1991 "The financial and market effect of the SEC's accounting and auditing enforcement releases." Accounting Research; 29 (Suppl):107-42.
13. Gavius. I, 2006, "Alternative perspective to deal with auditors agency problem". Critical perspective on accounting. no 17.
14. Knapp C, Knapp A. 2001. "The effect of experience and explicit fraud risk assessment in detecting fraud with analytical procedure Accounting", organization and society. No: 26, pp 25-37.
15. Latham C, Jacobs F. 2000a; "Monitoring and incentives factors influencing misleading disclosures". Managerial Issues. (Summer):169-87.
16. Public Oversight Board (POB), 2000, "The panel on audit effectiveness report and recommendations (Aug)". Stamford, CT: POB.
17. Rezaee Z. 2010. "Financial statement fraud: prevention and detection". New York, NY: Wiley.
18. Ronen J, Cherny J. 2002. "Can insurance solve the auditing dilemma?", National Underwriter; 106 (29):12-4.
19. Sarbanes-Oxley Act of 2002. Public company accounting reform and investor protection act of 2002. Available at: http://frwebgate.access.gpo.gov/cgi-bin/getdoc.cgi?dbname=107_cong_bills&docid=f:h3763enr.txt.pdf.